

(کج) سؤال از قیام مسیح بعد از سه روز

سؤال

مقصود از قیام مسیح بعد از سه روز چه بود ؟

جواب

قیام مظاهر الهیه بجسد نیست جمیع شؤونات و حالات و اعمال و تأسیس و تعلیم و تعبیر و تشبیه و ترتیب ایشان عبارت از امور روحانی و معنویست تعلق بجسمانیات ندارد . مثلاً مسأله مسیح از آسمان آمد این مطلب در مواقع متعدده از انجیل مصرّح است که ابن انسان از آسمان آمد و ابن انسان در آسمانست و بآسمان رود چنانکه در فصل ششم آیه سی و هشتم از انجیل یوحنا میفرماید : " زیرا من از آسمان آمدم " و همچنین در آیه چهل و دوم میفرماید که : " گفتند آیا این شخص یسوع بن یوسف نیست که پدر و مادر او را میشناسیم چگونه میگوید من از آسمان آمدم " و همچنین در انجیل یوحنا در فصل سیم آیه سیزدهم میفرماید : " و کسی بآسمان نرفت مگر کسی که از آسمان آمد ابن انسان آنکه در آسمانست ". ملاحظه کنید که میگوید ابن انسان در آسمان است و حال آنکه حضرت آن وقت در زمین بودند و همچنین ملاحظه کنید که صراحهً میفرماید مسیح از آسمان آمده است و حال آنکه از رحم مریم بود و جسم حضرت از مریم تولّد یافت . پس واضح شد که مقصد از این عبارت که میفرماید ابن انسان از آسمان آمد امریست

معنوی نه ظاهری روحانیست نه جسمانی یعنی هر چند حضرت مسیح بظاهر از رحم مریم تولّد یافت ولی فی الحقیقه از آسمان مرکز شمس حقیقت عالم الهی ملکوت رحمانی آمد . و چون واضح شد که مسیح از آسمان روحانی ملکوت الهی آمد پس مقصود از غیوبت مسیح در زیر زمین سه روز نیز امری معنویست نه ظاهری و همچنین قیام مسیح از بطن ارض نیز امریست معنوی و کیفیتی است روحانی نه جسمانی و همچنین صعود مسیح بآسمان آن نیز امریست روحانی نه جسمانی . و گذشته از این بیان این آسمان ظاهری فتناً ثابت و محقق گشته که فضای نامتناهی و فارغ و خالی و جولانگاه نجوم و کواکب نامتناهی است . لهذا بیان میکنیم که قیام مسیح عبارت از اینست که حضرات حواریین بعد از شهادت حضرت مسیح مضطرب و پریشان شدند حقیقت مسیحیه که عبارت از تعالیم و فیوضات و کمالات و قوه روحانیّه مسیحیه است دو سه روز بعد از شهادت خفی و مستور شد جلوه و ظهوری نداشت بلکه حکم مفقود یافت زیرا مؤمنین عبارت از نفوس متعدّده بودند و آنان نیز مضطرب و پریشان امر حضرت روح الله مانند جسم بی جان شد . و چون بعد از سه روز حضرات حواریون ثابت و راسخ گشتند و بر خدمت امر مسیح قیام نمودند و مصمّم بر آن شدند که تعالیم الهی را ترویج کنند و وصایای مسیح را مجری دارند و قیام بر خدمت مسیح کردند حقیقت مسیح جلوه نمود و فیض مسیح آشکار گشت و شریعت مسیح جان یافت و تعالیم و وصایای مسیح ظاهر و آشکار گردید یعنی امر مسیح مانند جسد بی جانی بود جان و فیض روح القدس احاطه نمود اینست معنی قیام مسیح و این قیام حقیقی بود . و

چون قسّیس‌ها معنی انجیلرا نفہمیدند و برمز پی نبردند لہذا گفتند کہ دین مخالف علم است و علم معارض دین زیرا از جملہ این مسألہ صعود حضرت مسیح با جسم عنصری باین سمای ظاہری مخالف فنون ریاضی بود و لکن چون حقیقت مسألہ آشکار گردد و این رمز بیان شود بھیچ وجہ علم معارضہ ننماید بلکہ علم و عقل تصدیق نماید .